

# زیگورات چغازنبیل

الف - تشمور عیلام

نظر باینکه زیگورات  
چغازنبیل یکی از بناهای مهم  
عیلامی است مناسبت دارد قبلاً  
مجمعی از تمدن عیلام شرح داده  
شود تا خوانندگان ارجمند  
بتوانند بدو با این تمدن و  
فرهنگ شگرف و کهن آشنا  
شوند.

بقلم

موقعیت طبیعی و وضع  
اجتماعی - فلات ایران با آب و  
هوای گوناگون و دره‌های عمیق  
حاصلخیز چون مثلثی است که  
ما بین خلیج فارس و دریای خزر  
واقع گردیده و رشته کوه‌های  
بلندی که در دوره میوسن<sup>۱</sup>  
وجود آمده آن را احاطه کرده  
است کوهستانهای مذکور چون

محمود کردوانی

۱- یکی از دوره‌های دوران سوم زمین‌شناسی است Myocen

دیواری گرداگرد فرورفتگی مرکزی که در حال حاضر بیابان خشک و بی آب و گیاهی است قرار دارد. رشته کوههایی که از شمال غربی بجنوب شرقی کشیده شده است بیش از هزار کیلومتر طول و دویست کیلومتر عرض دارد و بنام زاگروس خوانده میشود. چینهای موازی این سلسله جبال دره های سبز و خرمی را بوجود آورده که مرکز نشوونمای تمدنهای مختلف این قسمت از نجد ایران بوده است. کوههای شمالی که البرز نام دارد در امتداد کرانه منحنی شکل دریای خزر کشیده میشود و ناحیه سبز و خرم ساحلی را از مناطق خشک مرکزی مجزا میکند. البرز سراسر ضلع شمالی فلات ایران را در میورد، سپس به جبال هندو کش در افغانستان می پیوندد و از سمت مغرب نیز به کوههای زاگروس متصل میشود. از ملتقای این دو رشته و مجموع گره خوردگیهای ارتفاعات شمالی و غربی سرزمین آذربایجان ایران شکل میگیرد این خطه شاهد مهاجرت و اقامت اقوام مختلفی چون مانها، مادها، پارسها و ترک و تاتارها بوده است. مادها از این ناحیه برخاسته اند و پارسها نیز قبل از مهاجرت بجنوب ایران سالیان متمادی در این منطقه متوطن بوده اند. رشته های فرعی البرز در خراسان چندان ارتفاعی ندارد و دارای گذرگاههای سهل - العبوری میباشد و دومین مدخلی است که مهاجران و مهاجمان از آن بداخل نجد ایران نفوذ کرده اند با این تفصیل میتوان نتیجه گرفت نجد ایران که از بیابانهای لم یزرع و کوهستانهای صعب العبور تشکیل شده است. ظاهراً نیایستی مورد علاقه و تهاجم اقوام خارجی قرار گرفته باشد. لیکن یورشها و مهاجرت های اقوام مختلف خلاف این امر را بشبوت میرساند. چه از اعصار ماقبل تاریخ میهن ما بواسطه موقعیت ممتاز طبیعی به پلی میمانست که آسیای مرکزی را به آسیای غربی متصل میکرد و نقش واسطه مابین تمدن و فرهنگ خاور دور و نزدیک را بعهده داشت. ساکنان فلات ایران توانستند دیرزمانی آزادی و صیانت خود را حفظ کنند و در نتیجه برقراری روابط اقتصادی و اجتماعی با همسایگان شرقی و غربی وضع تثبیت شده ای برای ساکنین دشت

بین‌النهرین بوجود آورند. کوهپایه‌نشینان ایران گاهی راهنمای جنگجویانی بودند که میخواستند بمنظورهای سیاسی و اقتصادی بر کوهستانیان چیره شوند و با کمک این راهنمایان میتوانستند از راههای دشوار و معابر سخت زاگروس بگذرند.

آسانترین و صعب‌العبورترین راهی که در این قسمت قرارداد شد راه بغداد کرمانشاه - همدان امروزی بود. این راه سالیان متمادی مورد استفاده آشوریها قرار گرفت و سرنوشت چنین مقدر داشت که ساکنان کوهپایه‌های ایران از همین راه تهاجم خود را بجنگه بین‌النهرین آغاز کنند و از کوهستانها بدشت سرازیر شده پرستندگان آشور را قلع و قمع سازند.

حواشی و محدوده شرقی و جنوب شرقی ایران تقریباً غیر قابل عبور بود. اقوامیکه در این نواحی سکونت داشتند در اعصار ماقبل تاریخ ایران توانستند رابطی بین تمدنهای ایران و هند باشند و همین ارتباط مسالمت آمیز زمینه مساعدی فراهم ساخت تا در قرون بعد داریوش بزرگ بتواند دره هند و پنجاب را به قلمرو شاهنشاهی هخامنشی منضم سازد.

مرزهای جنوبی ایران بعلاوه موقعیت خاص جغرافیائی یعنی مشرف بودن بدریا و سایر علل اقلیمی تا حدی مانع از این بود که ساکنین نوار ساحلی به آسانی روابط اجتماعی خود را با اقوام مهاجر فلات ایران برقرار سازند.

رشته‌جبال زاگروس مسیر خود را در امتداد خلیج فارس ادامه میدهد و سد و حائلی بوجود می‌آورد که عبور از آن برای ساکنین اولیه نجد ایران دشوار بود تنها معبر سهل و آسانی که فلات ایران را بسواحل خلیج فارس و جلگه بین‌النهرین مربوط می‌ساخت دشت خوزستان بود. رشته‌های فرعی کوههای زاگروس این جلگه‌ها را نیز محاصره میکند و دنباله ارتفاعات آهکی آن که در دورانه‌های بسیار قدیم تشکیل یافته است تا کرانه‌های خلیج فارس ادامه می‌یابد. قله‌های شمال شرقی این جلگه محاط شده پوشیده از برف می‌باشد و سرچشمه رودخانه‌های متعددی است که این دشت حاصلخیز را سیراب می‌سازد.

دورشته از این رودخانه‌ها که نزدیک بهم جریان دارد یعنی دز و کرخه تقریباً بهم موازی بوده و از مرکز خوزستان میگذرد. بطوریکه در فاصله چند کیلومتری بزحمت از هم فاصله میگیرد - کرخه بطرف جنوب غربی جریان می‌یابد و دز مسیر خود را بسوی جنوب شرقی ادامه میدهد و بسومین رودخانه خوزستان یعنی کارون می‌پیوندد. در محلی که رودخانه کرخه به دز خیلی نزدیک میشود و در کنار رودخانه شاهر در دوران باستان شهری بزرگ و عظیم بوجود آمد که در تاریخ ایران و بابل و عیلام بنام شوش معروف است و تمدن عیلام از همین نقطه نضج گرفت. شوش بزودی مدنیت دنیای قدیم را پذیرفت و در اقوام و طوایف بدوی و نیمه بدوی مؤثر افتاد. شهر شوش که امروز بصورت تپه و تلهائی چند در آمده است مرکز کشور عیلام بوده و پس از آن هنگامیکه حدود ایران در عصر هخامنشی از دره سند تا دریای مدیترانه گسترش یافت شوش چون دارای موقعیت ممتاز و راه ارتباطی مناسب بود از این راهها بسایر پایتختهای شاهنشاهی ایران چون هگمتانه (همدان) و تخت جمشید و بابل منتهی میگشت پایتخت و مرکز اداری کشور شد.

البته نباید تصور کرد که گذشته طولانی و مفصل عیلامیان تنها در شهر شوش خلاصه میگشته است. چه عیلامیان مردمانی کوهستانی بودند و تمدن اولیه آنان باید در دامنه کوهها و درهها تشکیل شده باشد و شوش به تنهایی نمیتوانست نقش اساسی را در تاریخ عیلام ایفا کند. گمان میرود ناحیه انشان یا انزان که ظاهراً شامل قسمت‌های شرقی و شمالی خوزستان و نواحی مرکزی و مغرب و جنوب فارس بوده است در تکوین و تکمیل این مدنیت سهم بیشتری داشته باشد مضافاً باینکه آب و هوای شوش این منطقه را از نظر سیاسی در درجه دوم اهمیت قرار میدهد زیرا مدت نه ماه از سال جلگه شوش کاملاً گرم و دارای حرارتی طاقت فرساست و نظر استرابن را که میگوید «سوسمارها و مارها نمیتوانند در موقع ظهر در کوجهای شوش بخزند مگر اینکه از حرارت آفتاب و زمین غلافکن شوند» تأیید میکند.

کشور عیلام شامل خوزستان، لرستان، کوه‌های بختیاری و قسمتی از فارس بود و از دو قسمت جلگه و کوهستانی تشکیل می‌شد.

بخش جلگه‌ای آنرا دشت خوزستان تشکیل می‌داد که بوسیله رودخانه‌های نسبتاً پرآبی چون کارون و دز و کرخه آبیاری میگشت و از دیر باز برای کشاورزی و دامپروری مناسب بود و در نتیجه برای پرورش و پی‌ریزی تمدنی بزرگ زمینه مساعدی فراهم می‌ساخت.

قسمت کوهستانی عیلام را وراشی میگفتند<sup>۲</sup> که دارای جنگلهای انبوه و منابع احجار قیمتی و دره‌های سرسبز و حاصلخیز جهت پرورش اسب و کشاورزی بود مرکز این ناحیه شهر شیماش نامیده می‌شد که حوالی خرم‌آباد کنونی قرار داشت و پادشاهان محلی عیلام در آنجا سلطنت میکردند.

آنچه مسلم است عیلامیان از هزاره چهارم قبل از میلاد در شوش ساکن بوده و تا آنجا که مدارک کتبی نشان میدهد از دوهزار و ششصد و هشتاد و پنج سال قبل از میلاد پادشاهان عیلام در این نواحی سلطنت میکرده‌اند و این پادشاهی تا سال ۶۴۰ قبل از میلاد ادامه داشت و با حمله آشوریانی پال برای همیشه از صفحه تاریخ محو گردید لیکن طولی نکشید که قوم و دولت عیلام جزئی از شاهنشاهی هخامنشی را تشکیل داد.

تحقیقات و کاوشهای باستان‌شناسی در شوش ثابت می‌دارد که قبل از غلبه عناصر سامی بر بین‌النهرین این قسمت از کشور ما دارای تمدنی بزرگ و با رور بوده است. باید یادآور شد که تاریخ بین‌النهرین عبارت از مهاجرت اقوام و نژادهای گوناگون بدین سرزمین و اختلاط و امتزاج آنها بایکدیگر میباشد و تا آنجا که میدانیم سومرهای اولین ملتی بودند که در این منطقه تمدنی عمیق بنیان نهادند.

اصل و منشأ این قوم بته تحقیق روشن نیست طی حفریاتی که بوسیله پوم‌پلی در نزدیک عشق‌آباد صورت گرفت در گورکان انو<sup>۳</sup> اشیائی بدست آمد که

شبهات زیادی بکار هنرمندان سومری و عیلامی داشت در نتیجه این عقیده قوت گرفت که منشأ دو قوم عیلام و سومر محتملاً بایستی کوهستانهای شمالی ایران باشد و این اقوام بعملی که از آن جمله شاید بتوان مهاجرت اقوام ثالشی را پنداشت، بطرف جنوب غربی و مغرب ایران رانده شده و ناگزیر در کرانه‌های کارون و فرات مسکن گزیدند موقیعت شهر نیپ پور<sup>۴</sup> مرکز سومر نیز این نظر را تأیید میکند زیرا این شهر در محلی قرار دارد که واسطه بین فلات ایران و جلگه بین‌النهرین محسوب میگردد.

شرق شناسان از آن جمله ادواری<sup>۵</sup> بر طی بررسیهای مفصلی باین نتیجه رسیده‌اند که سومریها قبل از مهاجرت سامیان به بین‌النهرین، گذشته‌ای تابناک و درخشان داشته‌اند و تا آنجا که کاوشهای علمی نشان داده است پیش از تشکیل دولتهای سامی نژاد در بین‌النهرین، سومر و عیلام دارای روابط اجتماعی و سیاسی بایکدیگر بودند.

عیلامی‌ها کشور خود را حاتام‌تی می‌نامیدند که بمعنی کشور حاتام‌هاست. حفریات باستان شناسی مدالی می‌سازد که از هزاره چهارم قبل از میلاد عیلامیان در این نواحی متوطن بوده‌اند و احتمالاً ساکنین بومی خوزستان محسوب میشوند. زیرا قرائن و اماراتی موجود است که عیلامیان از شعبه نژادهای سامی و آریائی نبوده‌اند. گرچه زبان عیلامی با علائم میخی بابلی نوشته میشد اما تا کنون درست شناخته نشده و هنوز بدرستی کلید کشف رمز آن بدست نیامده است از متن گل نوشته‌ها و لوحه‌های مکشوفه عیلامی آنچه تا کنون خوانده‌اند مطالب جزئی قابل استنباط است.

از کاوشهای اخیر بخوبی درک میشود که تمدن عیلام بسهم خود در تکامل و سیر تمدن بشری نقش خلاقه‌ای همانند تمدنهای سومری و بابلی ایفا کرده سهم ارزنده‌ای را بخوبی به تمدن و فرهنگ جامعه بشری عرضه نموده است. گذشته از آن عیلامیان در تمام طول تاریخ خویش با دولتهای سومر و اکد و

4- Nippur

5- E. D Meyer

بابل و آشور برای حفظ حدود و ثغور کشورشان در جنگ و ستیز بودند. بحق میتوان این قوم را اولین پاسداران مرز و بوم ایران نامید زیرا اینان قرن‌ها کشور ما را از نفوذ عوامل بیگانه محفوظ نگاهداشتند و با تمدن عمیق خود گهواره جنبان فرهنگ و هنر باستانی ایران بودند

### ب - مذهب عیلامیان

مذهب این قوم بر پرستش خدایان متعددی استوار بود. برخی از این خدایان بمذاهب جلگه بین‌النهرین تعلق دارد علت این امر نیز واضح است. چه ماتهای همسایه گاهی تابع و زمانی متبوع یکدیگر بوده و باهم روابط سیاسی و اجتماعی و فرهنگی داشته‌اند.

متأسفانه آثار و نوشته‌های باقیمانده عیلامی که بزبانهای اكدی و سومری و بابلی تنظیم شده گذشته از نوشته‌های شیلهاك اینشوشیناك<sup>۶</sup> که مربوط بقرن دوازدهم قبل از میلاد میباشد. دیگر نوشته‌ها بطور کلی مربوط بساختمان معابد و کاخها و نامهای تشریفاتی شاه و کسان وی بوده و مدارك و اسناد تاریخی آن بسیار اندك است. مقداری اسناد دولتی و صورتحسابهای مالی و اقتصادی نیز که بزبان عیلامی نگاشته شده و از شوش بدست آمده است به دورانهای نخستین شاهنشاهی هخامنشی (قرن ششم قبل از میلاد) تعلق دارد همچنین مقداری گل نوشته مربوط بقرنهای پنجم و ششم قبل از میلاد از تخت جمشید کشف شده که همگی شامل اسامی خاص است و منشأ وتر کیب نژادی ملل مختلف شاهنشاهی هخامنشیان را مشخص میکند.

بر روی کتیبه‌ها و گل نوشته‌های مکشوفه از زیگورات چغازنبیل تنها اسامی خدایان دیده میشود و بطور کلی از خلال این آثار میتوان تا اندازه‌ای وضع مذهبی عیلام را بررسی کرد

متأسفانه عیلامیان اسماء بعضی از خدایان را ننوشته بلکه بوسیله

ایدئوگرامهای زبان اکدی آنها را مرقوم داشته‌اند مثلاً نام خدای آفتاب که بزبان سامی شیماش تلفظ میشود در زبان عیلامی معلوم نگردیده بلکه بهمان طریقه سامی در کتیبه‌های عیلامی تکرار شده است.

از خدایان متعدد عیلامی دوتن در نوشته‌های سلطنتی و عادی از همه برتر و بالاتر بودند یکی هومبان<sup>۲</sup> و دیگری این شوشیناک<sup>۸</sup> نام خدای اول بوسیله خط نشانه‌ای اکدی نوشته میشود و بمعنی (برتر از همه) است و این شوشیناک (آقای شوش) معنی میدهد. عهده غالب فرمانروایان عیلام در آثار خود علاوه بر این دو خدا مکرراً الهه گیری ریشا<sup>۹</sup> بعنوان ربه النوع مادر نام برده‌اند. طی حفاریات شوش و چغا زنبیل صدها مجسمه از این الهه بدست آمده است و این مطلب میرساند که اجتماع عیلام قلباً برای این ربه النوع احترام فراوانی قائل بوده است.

ج - زیگورات چغازنبول - از نظر لغوی زیگورات از دو کلمه زاگ و گار ترکیب میشود که مکان خداوند معنی میدهد<sup>۱۰</sup>. بنا بر معتقداتی که از قدیم وجود داشت این گونه امکنه مقدس نباید بساختمانهای معمولی مردمی که فنا میشوند و از بین میروند شبیه باشد. بلکه محلی است که اموات در آنجا مدفون هستند و در آنجا باقی میمانند. بهمین مناسبت زیگورات مکان جاودانه ارواح و پرستشگاه ابدی آنهاست.

این نوع ابنیه از آغاز مدنیت اقوام مختلف جلگه بین‌النهرین وجود داشته است. ابتدا سومریها و سپس بابلیها و آشوریها بساختن چنین بناهایی پرداختند. عیلامیان که مذهبشان از نفوذ همسایگان برکنار نبود بایجاد زیگورات چغازنبیل همت گماشتند و چنانکه ذکر خواهد شد ذوق و ابتکار خاصی بکار بردند و آنرا از زیگورات های مشابه در بین‌النهرین متمایز ساختند.

7-Humban 8-Inshushinak 9-Giririsha

۱۰ - مقاله گیرشمن در جلد سوم باستان‌شناسی - معنی این کلمه را آقای ردوسن در اختیار نویسنده گذاشته‌اند.



در تورات نیز برج معروف بابل توصیف شده است که علم باستان شناسی این برج را يك زیگورات می‌شناسد و آن بنائی است چند طبقه که طبقات بالا بترتیب از طبقات پائین کوچکتر است .

در میان کتیبه‌های مکشوفه از کاوشهای باستان‌شناسی یکی از آنها که بنام لوح ازازیل<sup>۱۱</sup> معروف است و در موزه لوور نگهداری میشود زیگورات بابلی را شرح میدهد و مارا با چگونگی آن تا اندازه‌ای آشنا می‌سازد و از این لحاظ حائز کمال اهمیت است متأسفانه متن کامل کتیبه آن تا کنون خوانده نشده است و در عوض زیگورات چغازنبیل اطلاعات جدیدی در مورد شناسائی زیگوراتها با اختیار باستان شناسان می‌گذارد.

زیگورات چغازنبیل به مسافت چهل کیلومتری جنوب شرقی شوش پایتخت عیلام قرار دارد و در آن روزگار در نیمه راه پایتخت شوش و شهر هیدالو<sup>۱۲</sup> (شوشتر کنونی) واقع بود و کاروانها میتوانند از شوش و هیدالو يك روزه این مسافت را طی کنند .

یکی از شاهان سلسله ایگه‌هالکی<sup>۱۳</sup> عیلام بنام اونتاش گال<sup>۱۴</sup> که در حدود ۱۲۵۰ قبل از میلاد سلطنت می‌کرد مصمم شد در نزدیکی شوش و کنار رودخانه دزهر کز دینی بزرگی ایجاد کند که در هنگام جشنهای بزرگ محل نیایش و زیارتگاه عمومی باشد اونتاش گال می‌خواست این شهر که دوران تناسی نامیده شد بسیار مجلل و بزرگ باشد تا هم موجب رضای خدا یان گردد و هم ملت عیلام خشنود شود . به همین منظور در مرکز شهر يك زیگورات یا برج بابل احداث کرد اما هرگز نتوانست ساختمان آنرا با تمام برساند . دلیل این ادعا آجرها و میخهای سفالی کتیبه داری است بنام اونتاش گال که در طی کاوشهای زیگورات از دو اطاق بدست آمده و هنوز کار گذاشته نشده بود .

(سلسله چهارم پادشاهی عیلام) 11 – Esagil 12 – Hidalu 13 – Igehalki

14 - Awntashgal

شهرسازان و مهندسين عیلامی که بفرمان اونتاش گال ۱۵ مأمور ساختن این شهر مذهبی شدند مجبور بودند مطابق میل و دلخواه وی کار خود را آغاز کنند و برای سهولت از شکل طبیعی زمین پیروی کردند و دیوار خارجی شهر را که بیش از چهار کیلو متر طول دارد و يك کثیرالاضلاع منحنی غیر منظم را تشکیل میدهد در امتداد اطلال طبیعی بنا کردند و با مهارت کم نظیری جهت استحکام دیوار از این تپه‌ها استفاده نمودند. مرکز شهر را محل مقدس (تمنس ۱۶) اشغال کرده و این قسمت بوسیله يك دیوار محاط از سایر قسمتهای شهر جدا شده است. در پشت این دیوار معابد خدایان سی گانه عیلام قرار داشت و بین دیوار دوم و سوم که تمام شهر دورانتاشی در آنجا واقع میگشت اهالی ساکن بودند.

قاعده بنای زیگورات مربع شکل است و طول هر ضلع آن ۱۰۵/۲۰ متر میباشد و در اصل دارای پنج طبقه و بارتفاع ۵۳ متر بوده که در حال حاضر فقط ۲۵ متر آن باقی است و شامل سه طبقه میباشد. طبقه پنجم که بر فراز معبد قرار داشت به اینشوشیناک خدای اصلی و عمده عیلام متعلق بود. این خدا هنگامی از آسمان به زمین میآمد تا مردم او را ستایش کنند. در این منطقه مسکن میگزید بنا بر این زیگورات نقش پله کانی را داشت که زمین و آسمان را بهم نزدیک میساخت. روسازی بنای زیگورات را آجرهای بزرگی به ابعاد مختلف تشکیل میدهد. ۱۷ بطور کلی اسکلت بنا شامل چند حجم

۱۵ - دورانتاشی که بمعنی شهیر اونتاش گال است در کتیبه‌های آشوربانی پال از آن ذکر شده و در هفتمین یورش این پادشاه آشوری ویران گردید آقای دومکنم رئیس سابق هیئت فرانسه در شوش برای اولین بار این اسم را شناخت بعداً آقای یرشل خط شناس معروف فرانوی آنرا تأیید کرد.

#### 16 - Temenos

۱۷ - بنا بر تحقیقات آقای د. مکمن آجرهای زیگورات چغازنبیل عموماً بزرگتر و روشنتر و نپخته‌تر از سایر آجرهای عیلامی است و دارای اندازه‌های متنیر است که ضمناً مشخصات چند آجر را که توسط دانشمند مذکور تهیه شده است جهت مرید اطلاع علاقمندان بنظر میرساند.

ساختمانی است که درون هم قرار دارد بطوریکه هر قدر بطرف بالا میرود حجمها کوچکتر میشود<sup>۱۸</sup>. در نتیجه حفاری چغازنبیل این اصل پذیرفته شد که ساختمان زیگورات در یک مرحله انجام نشده بلکه ابتدا دوطبقه چهار ضلعی بایک فضای آزاد در وسط آن احداث گردیده است و یک ردیف اطاقهای دراز و باریک دور این صحن وجود داشت که درب آنها بطرف صحن یا فضای آزاد باز میشد. در مرحله دوم سایر طبقات را از کف زمین ساخته و فاصله افقی طبقات را باخشت پر کرده اند. تاپیش از کشف و خاک برداری زیگورات چغازنبیل باستانشناسان معتقد بودند که زیگورات مرکب از چند طبقه است و هر طبقه بر روی طبقه زیرین بنا شده است. لیکن بایک تونل آزمایشی که در ضلع شمالی زیگورات چغازنبیل زده شد مشخص گردید که هر یک از حجمهای طبقاتی بروی زمین بکر ساخته شده و کلیه طبقات از یک عمق و سطح بنیاد گشته است و مانند چند جعبه درون یکدیگر جای دارند و هر طبقه داخل طبقه دیگر محصور شده است بطوریکه ۴۴ متر از طبقه پنجم درون طبقات دیگر جای داشت و فقط ۹ متر آن که قسمت بالای این طبقه بود دیده میشد بهمین جهت پروفیسور ملوان<sup>۱۹</sup> باستان شناس معروف انگلیسی در موقع بازدید چغازنبیل و بی بردن بدین راز گفت «حالا باید تمام زیگوراتهای حفاری شده از نو حفاری گردد» معماران زبردست عیلامی طبقات پنجگانه زیگورات را بدقت و حساب شده انجام داده اند بطوریکه با تمام عظمت، فشاری بر پایه ها وارد نشده است.

بقیه از صفحه مقابل

۱ - آجر بنام ایشمه کراب -  $۳۱/۷ \times ۳۱/۷ \times ۵/۷$  سانتیمتر

۲ - آجر بنام گیری ریشا  $۳۳/۳ \times ۳۳/۳ \times ۷$  سانتیمتر

۳ - آجر بنام گیری ریشا  $۳۴/۵ \times ۳۴/۵ \times ۷/۷$  سانتیمتر

۴ - آجری بنام شوشیناک  $۳۷/۲ \times ۳۷/۲ \times ۹$  سانتیمتر

۱۸- ارتفاع حجم مرکزی که طبقه پنجم را تشکیل میدهد از طبقات دیگر بلندتر بود طبقه زیرین که حجم اول زیگورات را تشکیل میدهد یک متر بلندی و سه متر پهنا دارد و طول هر ضلع آن  $۱۰۵/۲۰$  متر است محیط اصلی ساختمان را همین طبقه تشکیل میدهد

در چهار ضلع این طبقه پلکانهای طبقات پنجگانه را بهم متصل میسازد. طبقه دوم دارای ۱۶ متر پهنا و ۸ متر بلندی است. در این طبقه اطاقهای باسقف هلالی وجود داشت این اطاقها در طول اضلاع شمال غربی و جنوب غربی و جنوب شرقی واقع بود و عرض آنها به ۲/۱۰ متر و طول هر کدام به ۸ تا ۱۰ متر میرسید. اطاقهای مذکور بهم راه نداشت و پلکانهای جداگانه ای مدخل هر کدام بوده است برخی از اطاقهای طبقه دوم فاقد پلکان میباشد و در ب آنها بدروازه های طاقدار اصلی که چهار متر ارتفاع دارد باز میشود. دکتر گیرشمن ۲۰ معتقد است که اطاقهای پله دار مختص قرار دادن هدایا و نذرها و اطاقهای فاقد پاکان محتملاً جایگاه برخی از خدایان بوده است.

بواسطه وجود بریدگیهای در طبقات بالا مخصوصاً در جبهه جنوب غربی نمیتوان دانست بطور قطع چگونه بطبقاب بالائی زیگورات میرسیده اند. ولی ۲۱ ترسیم کننده اصلی زیگورات اور ۲۲ که متعلق به سلسله دوم سلاطین اور است. پلکانهای این زیگورات را با بریدگیهای جنوب شرقی زیگورات دورانتاشی (چغازنبیل) مقایسه کرده است و چنین نتیجه میگردد که این دو بریدگی باقیمانده پلکانهای است که قبلاً وجود داشته است و از آن بطبقات بالا میرفته اند. لیکن آقای دکتر گیرشمن که خود زیگورات دورانتاشی (چغازنبیل) را حفاری کرده این نظر را مردود میدانند و معتقد است که بریدگی ضلع جنوب غربی پلکان اصلی زیگورات بوده است و چنین استدلال میکنند که اگر نظر ولی درست باشد و پاگردی در طبقات مختلف وجود داشته که بیپلکانهای منتهی میشده است وجود این پاگردهای فرضی انسان را مجبور میکرده است که راهی طولانی طی کند و پاگردها را دور بزند تا به پلکانها برسد بدون اینکه اینکار نقشی در مراسم مذهبی داشته باشد از طرفی پله ها از طبقه اول کم عرض میشود و احتمالاً فقط عده معدودی از پیشوایان مذهبی حق استفاده و عبور از آن را داشته اند.

البته معبد پاگردی داشته است که آنهم در حقیقت سکوی محاطی زیگورات می باشد که طبقه اول را تشکیل میدهد. ۲۳

همانطور که اشاره شد ارتفاع این سکو یا پاگرد يك متر است و به سه دروازه شمالی و شمال شرقی و شرقی منتهی میگردد. چنین بنظر میرسد که در يك زمان سه گروه میتواند باشند به موازات یکدیگر زیارت معبد نائل شوند این سه گروه در اولین مرحله روی سکوهای طبقه اول قرار میگرفتند و سپس به طبقات دیگر میرفتند. بدیهی است که هنوز برای ما مشخص نیست چه کسانی این طبقات سه گانه مذهبی را تشکیل میداده اند آنچه که محتمل است این سه گروه از پیشوایان مختلف مذهبی تر کیب میشده که در هنگام تشریفات بزرگ دینی بنا بر یک رده بندی معین در سکوهای مختلف جای میگرفتند دکتر گیرشمن عقیده دارد مریدان مذهبی از مرز حیاط جلوتر نمیرفتند و جمعیت در حیاط خارجی محل مقدس می ایستادند و برخی از پیشوایان مذهبی عملیات مخصوص نیایش را در حضور جمع انجام میداده اند.

سه پاگردی که ذکر آن گذشت ظاهرأ وجه تشابهی با پاگردهای زیگورات اور دارد در آنجا هم مانند دوران تاشی این سه سکو به سه گروه گوناگون روحانیون که از نقاط مختلف می آمدند تعلق داشت که در آنجا به طبقات بالا میرفتند لیکن در دوران تاشی صعود از طبقه اول به بعد در انحصار عده معدودی از پیشوایان مذهبی بوده است:

مدر کی بدست نیامده است تا معلوم شود نقش پیشوایان روحانی عیلام چه بوده است. لیکن یقیناً وظایف آنان بوظایف پیشوایان مذهبی اقوام بین-النهرین شباهت داشته است از اسم شهر که بروی کتیبه های عیلامی بدست آمده و از فهرست سالنامه های آشوری چنین آشکار است که پادشاه زیگورات و معابد آنرا فقط وقف خدایان نموده است. در این الواح برابر اسم خدایان ذکر می شود از پیشوایان مذهبی نیست و تنها نام شاه بچشم می خورد. بجهت آنکه پادشاه علاوه بر حکومت و فرمانروائی پیشوای مذهب و نماینده خدایان نیز بوده است

درشش هزاروپانصد آجر نوشته‌ای که از چغازنبیل بدست آمد هیچ جا اسمی از جانشینان شاه دیده نشده است با اینهمه میدانیم که شیلهاک اینشوشیناک<sup>۲۴</sup> معبد الهه پی کیر<sup>۲۵</sup> را که اونتاش گال در شوش ساخته بود تعمیر کرد ولی هیچگونه اقدامی برای اتمام زیگورات دورانتاشی که معبد همین الهه نیز از ضمائم آن بود بعمل نیارود شوتروک ناهونته<sup>۲۶</sup> و پسرش کودور ناهونته<sup>۲۷</sup> معبد الهه گری ریشا در شهر لیان (بوشهر کنونی) را که توسط هومبان نومنا<sup>۲۸</sup> پدر اونتاش گال ساخته شده بود مرمت کردند بدون اینکه توجهی به شهر مقدس دورانتاشی و معابد آن داشته باشند. این بی‌اعتنائی جانشینان اونتاش گال خود معمائی است که هنوز لاینحل مانده است. البته نباید تصور کرد که پس از اونتاش گال بطور کلی این شهر فراموش شد. زیرا طبقه روحانیان بزندگی خود در این محل ادامه دادند ولی چون نگهداری زیگورات مستلزم مخارج سنگینی بود کم کم روبرویرانی نهاد در سمت جنوب شرقی زیگورات، آثار دو معبد وجود دارد که برای اینشوشیناک خدای بزرگ عیلام وقف شده است در یکی از معابد دو گانه بطرف داخل زیگورات باز میشود و فقط تا موقعی مورد استفاده بود که محوطه داخلی زیگورات با خشت پر نشده بود و هنوز صحنی وجود داشت. معبد دوم که بنام معبد تحتانی نامگذاری شده است تجلی گاه خدای بزرگ بود. اولین بار است که معبدی با چنین خصوصیات کشف شده است زیرا در معابد بابل و آشور معمولاً این معبد در بالای زیگورات قرار داشت و میتوان این مورد را بحساب يك رسم مذهبی مختص عیلام بحساب آورد از ویژگیهای دیگر این زیگورات اینکه در سمت چپ پلکان جنوبی اطاقی با يك سکوی خشتی وجود دارد که روبروی آن طاقچه‌ای تعبیه شده و ممکن

24—Shilhak-inshushinak

25—Pinikir

26—Shutruk-nahunte

27—Kudur-nahunte

28—Humban-numena

است این اطاق استراحتگاه خدا باشد که چون از طبقه بالا بیائین نزول می‌کرد در آنجا با استراحت می‌پرداخت. چهارده سکوی جایگاه قربانی که از آجر ساخته شده است در جلو در ب جنوبی قرار دارد در این محل دو جایگاه مخصوص ملکه و پادشاه نیز احداث شده است. در همین حدود سه معبد کوچک دیگر بنا کرده‌اند که در زیگوراتهای مشابه از اینگونه معابد اثری نیست یازده معبد دیگر که در جاهای مختلف محل مقدس (تمنس) قرار گرفته هرگز در زیگوراتهای بین‌النهرین دیده نشده است علت تنوع این معابد هنوز مشخص نیست گمان می‌رود که این تنوع از عقاید مذهبی گروه‌های متعددی که اجتماع عیلام را بوجود می‌آورده و نقشی که هر یک از فرق مذهبی داشته‌اند سرچشمه گرفته باشد اهمیت این مذاهب را در طبقه بندی‌های کشوری و اثر و نفوذ آنها در سیستم حکومتی و وابستگی آنها به نقاط مختلف کشور عیلام که در عین حال پس از مذهب اصلی آن مذهب در آن نواحی مورد پرستش بوده است باید جستجو کرد. مهمترین این خدایان عبارتند از خدای ایشمه کراب<sup>۲۹</sup> و الهه گری ریشا که معبد این دو در ضلع شمال غربی محوطه زیگورات واقع است معبد خدای گال<sup>۳۰</sup> که نزدیک این دو معبد می‌باشد و بوسیله حصار محاطی در خارج از صحن زیگورات قرار می‌گیرد حال آنکه دو معبد دیگر بزیگورات نزدیکتر و در داخل محوطه واقع شده است. تصور می‌رود که ایشمه کراب کم کم ترفیع مقام یافته است چه در معبد لیان که هومبان نو مناپدر اونتاش گال آنرا ساخته است الهه گری ریشا همسر خدای گال بوده است و حتی در زمان اونتاش گال بانای زیگورات دور اونتاشی این الهه با اتفاق این شوشیناک و گال خدایان ثلاثه‌ای را تشکیل می‌داده‌اند.

معبد الهه پنی کیر که نخستین بار اسم وی در معاهده‌ای<sup>۳۱</sup>

29- Jshmekerab

30- Gal

۳۱- متن معاهده چنین است: بشنوی الهه پنی کیر و شما وای خدایان بهشت گوش فرادارید. تمام شاهان بنده خدایانند یکی بنده خدای آفتاب نان حوته و شاهی پرستنده این شوشیناک من الهه شیشوم و خدای ناپیر و الهه ناروندی را گواه می‌گیرم که دشمن نارامین خصم من است و دوست نارامین دوست من است من هیتا هستم و کوشش می‌کنم که شیطان را از سرزمین اكد بیرون برانم. بگذار ما ناسازگاری و اختلاف را کنار بگذاریم و صلح و صفارا حفظ کنیم.

بین نارامسین و هی تا ۳۲ پادشاه عیلام برده شده از چهار معبد دیگر که در يك گوشه محل مقدس (تمنس) قرار دارد منشعب نمیگردد و از آنها فاصله دارد. کمی نزدیکتر بزیگورات روی محوطه وسیعی در میان قسمت شمال شرقی محل مقدس و دورتر از معابد نامبرده بالا آثار معابد خدایان هیش متیک<sup>۳۳</sup> و روهورا تیر<sup>۳۴</sup> موجود است که بنظر میرسد بطور ویژه در منطقه مال امیر<sup>۳۵</sup> کنونی مورد پرستش بوده اند بقایای دو معبد دیگر نظیر معابد مزبور در حیاط تمنس نزدیک درب ورودی جنوب شرقی کشف شده که از معبد خدای گال کوچکتر است، علاوه بر این معابد مجرابهائی در نزدیک زیگورات وجود دارد که هیچکدام بنام خدای معینی نیست چهار دستگاہ از این محرابها در داخل دیوار محاطی تمنس قرار دارد و دو محراب دیگر روبروی درب ورودی جنوب غربی است که هر دو با آجر ساخته شده و روبروی هم واقع بوده و درست در مجاورت پلکانی است که تا طبقه پنجم امتداد داشت بالاخره آخرین محراب در طبقه اول در جبهه شمال شرقی و نزدیک گوشه شمالی زیگورات واقع شده است گیرشمن میگوید مجسمه های زیادی از جمله مجسمه مفرغی او نتاش گال و ملکه ناپیر اسو<sup>۳۶</sup> همسرا و نتاش گال در زیگورات وجود داشته است<sup>۳۷</sup> زیرا طی کاوش چغازنبیل آجرهای سوراخ داری بدست آمد که مشخص بود جای نصب مجسمه ها بوده است. بعید نیست مجسمه ناپیر اسو که در شوش کشف شده است همان مجسمه زیگورات باشد که بوسیله شوتروک - ناحونته بشوش آورده شده است، در گوشه جنوبی شهر آتاردو کاخ و یک دروازه عظیم که باستان شناسان بآن نام دروازه شاهی داده اند و معبدی که وقف خدای

32- Hitta 33 - Hish.mitik 34 - Ruhurtir

۳۵ - مال امیر وایده از بخشهای شهرستان رامهرمز در خوزستان است.

36 - Napirasscu

۳۷ - تنها دو مجسمه سفالی یکی بشکل گاو و دیگری با بدن شیر و سرعقاب از چغازنبیل کشف شده که اولی در موزه ایران باستان و دومی در موزه شوش است.



نسکو<sup>۳۸</sup> شده است وجود دارد قاعدتاً میبایستی بین این دو کاخ ساختمان دیگری وجود داشته باشد. لیکن تمام آثار آن بر اثر سیلاب از بین رفته است. برستش خدای نسکو برای اولین بار در دوران تاشی دیده میشود و عبادتگاه بدون سقف آن در خور توجه است.

در زیر یکی از این کاخها آرامگاه باشکوهی در عمق شش متری وجود دارد که یک ردیف پلکان آجری قیراندود آنرا با کاخ مربوط میسازد. این آرامگاه بسلاطین عیلام تعلق دارد.

پس از کاوش معلوم گردید که خاندان سلطنتی اجساد مرده خود را میسوزانیده اند. سوزانیدن اموات از رسوم ویژه قوم عیلام است و این رسم در انحصار و مختص خاندان سلطنتی بوده است<sup>۳۹</sup> تا کنون قبور سلاطین عیلام تنها در چغازنبیل کشف گردیده و نظیر آن در نقاط دیگر دیده نشده است. مردم عادی بفراخور استطاعت خود دارای قبور آجری خانوادگی با طاق هلالی بودند که نمونه آن همه ساله در شوش کشف میشود. قدمت آخرین قبور خانوادگی مکشوفه شوش به ۲۲۰۰ سال پیش از میلاد میرسد. اخیراً از این نوع قبور خانوادگی یکی در هفت تپه کشف شد. ۴۰ مردم طبقه پائین دارای قبور حفره‌ای ساده‌ای بودند و گاهی اموات را در خمره‌های بزرگ سفالی دفن میکردند.

موضوع قابل توجه در زیگورات چغازنبیل تأمین آب مورد نیاز است رودخانه دز که در فاصله دو کیلو متری چغازنبیل جریان دارد شصت متر از محوطه بلندی که شهر دوران تاشی را دربر میگیرد پائین‌تر است بنا بر این سن اهالی شهر نمیتوانستند از آب این رودخانه استفاده کنند از طرفی آب چاه محل،

۳۹ - کتاب چغازنبیل نوشته دکتر گیرشمن.

۴۰ - این قبر خانوادگی در سال ۱۳۴۵ بوسیله همکار ارجمندم آقای سیف‌اله کامبخش فرد کشف گردید.

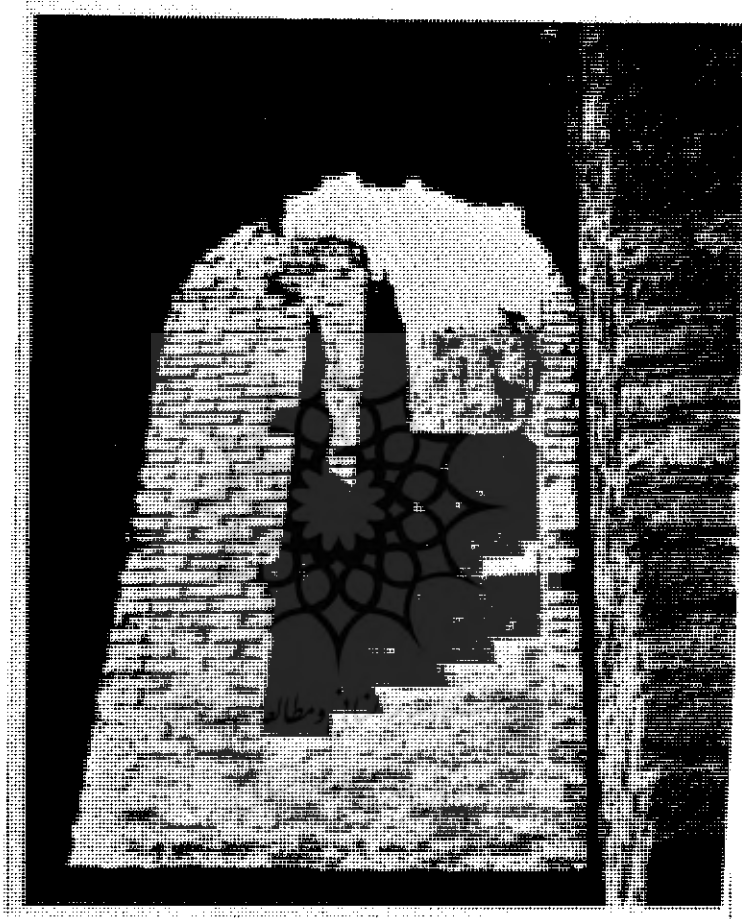
شور و غیر قابل شرب بود<sup>۴۱</sup> بهمین جهت مهندسين عیلامی برای مشروب کردن شهر از رودخانه کرخه در محل پایه پل کانالی بطول ۵۰ کیلومتر حفر کردند. این کانال تا پشت دیوار اصلی شهر (دیوار سوم) امتداد دارد و در آنجا بیک منبع بزرگ آب منتهی میگردد. این منبع بطول ۱۰ و عرض ۷ و ارتفاع ۵ متر است و از سنگ و ساروج و قیر ساخته شده است. گوئی معماران عیلامی از قانون فیزیکی ظروف مرتبط بی اطلاع نبوده اند زیرا در عرض جنوبی منبع که در پشت دیوار محاط شهر است، ۹ روزنه ساخته اند و این روزنه ها بدرون شهر راه دارد. هنگامیکه منبع پر از آب بود، پس از تصفیه و ته نشست گل و درد به وسیله روزنه های فوق الذکر بدرون منبع کوچک دیگری که در آن سوی دیوار یعنی داخل شهر قرار داشت سرازیر میشد و اهالی بدون اینکه به منبع اصلی کارداشته باشند از آب مورد احتیاج استفاده مینمودند<sup>۴۲</sup>.

هیچیک از تمدنهای آسیای میانه برای دسترسی به آب آشامیدنی چنین روشی را بکار نبسته اند و این خود شاهد ارزنده ای برای نشان دادن ولیاقت و جرأت معماران عیلامی است.

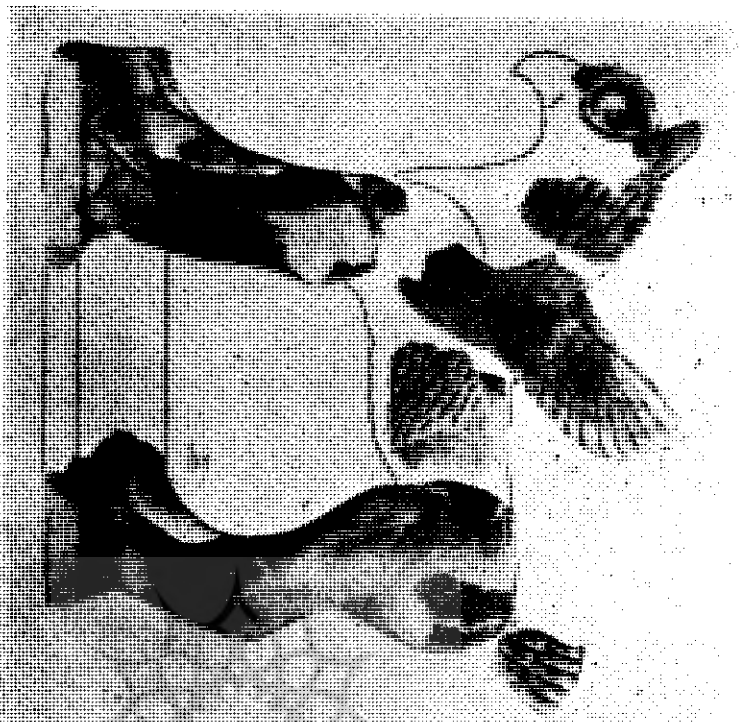
بطور کلی زیگورات دورانتاشی دارای ویژگیهای بیشماری است که آنرا از برجهای بابل که سومر بها و جانشینان آنان سامیها ساخته اند متمایز میکند. این خصوصیات در باره محوطه تمنس و مدخلها و معابد ضمیمه آن صادق است و میتوان ادعا کرد داریوش بزرگ احتیاجی نداشت برای ساختمان کاخ خود در شوش از فن و شیوه معماری بابل استفاده کند زیرا روش معماری عیلام میتواندست بهترین الهام بخش وی باشد.

۴۱ - ضمن خاکبرداری چغازنبیل، هیأت حفاری اقدام بحفر چاه نمود و ثابت کرد که آب چاه محل شور می باشد.

۴۲ - کتاب چغازنبیل نوشته دکتر گیرشمن.



پلکان شرقی زیگورات



مجسمه حیوان افسانه‌ای گلی با بدن شیر و سر عقاب مکشوفه از چغازنبیل (موزه شوش)



مجسمه گاو سفالی مکشوفه از چغازنبیل با کتیبه میخی بابلی (موزه ایران باستان تهران)

# سیام مجله

خوانندگان و ما

در طی چهار سال انتشار مجله بررسیهای تاریخی ( ۲۵ شماره ) ، فضلا و دانشمندان و خوانندگان محترم علاقمند ما بارها نظرات خود را چه کتبی و چه تلفنی و چه زبانی ، درباره مطالب و مباحث مجله و همچنین شکل و قطع و نحوه چاپ آن ابراز فرموده اند و اداره مجله نیز با امتنان فراوان اکثر این نظرات را بمنظور بهبود وضع مجله در موقع خود بکار بسته است و قسمت اعظم پیشرفتها و بهبود هائی هم که بتدریج در وضع مجله حاصل شده است بی گمان حاصل همین نظرات

خوانندگان ارجمند بوده است و از این رو سازمان مجله بررسیهای تاریخی بهمه جهت سپاسگزار این جمع از دوستان و فرهنگ و تمدن و تاریخ ایران میباشد.

ولی در خلال این زمان گلایه‌هایی نیز در مورد تقدم و تأخر چاپ مقالات از برخی نویسندگان حساس ما بدفتر مجله رسیده است که اگرچه تصور و انتظار می‌رود که آن گلایه‌ها جنبه جدی ندارد معیناً ما را ناگزیر می‌سازد یادآور شویم در ترتیب تقدم و تأخر مقالات جز رعایت وضع مجله از نظر تناسب موضوعها، رنگ آمیزی صفحات، نحوه ارائه مجله و تصاویر و بالاخر مشکلات چاپخانه و مسائل فنی، علت دیگری وجود ندارد زیرا مقالاتی که در مجله بچاپ میرسند قدر متیقن، موافق مرام و روش مجله میباشند و بالنتیجه از نظر مجله، تفاوتی میان آنها نیست.

باتوجه به آنچه گفته شد. مجله بررسیهای تاریخی مقالات و نوشته‌های تحقیقی و مستدل تاریخی مربوط بایران را که مستند بر مدارك و ارائه مآخذ در پسای صفحات باشد با امتنان و سپاسگزاری از همکاری نویسندگان و محققان ارجمند می‌پذیرد. مسئولیت مندرجات و مطالب مقالات وارده با نویسندگان مقالات است و از اینرو مجله بررسیهای تاریخی در قبال عقاید نویسندگان مسؤلیتی نخواهد داشت.

مقالات باید حتماً ماشین شده و روی يك صفحه نوشته شده باشد.

مقالاتی که بدفتر مجله می‌رسد مسترد نمیشود.

مجله در چاپ و یا رد مقالاتی که بدفتر مجله می‌رسد آزاد است.